

## اولین ماموریت امیرکبیر چه بود؟

روز ۱۸ دی سال ۱۲۳۰ هجری شمسی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدراعظم ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار، به دستور شاه به قتل رسید.



روز ۱۸ دی سال ۱۲۳۰ هجری شمسی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدراعظم ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار، به دستور شاه به قتل رسید.

به گزارش «انتخاب» به نقل از «تاریخ ایرانی»، میرزا تقی‌خان فراهانی ملقب به امیرکبیر از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین رجال سیاسی دو قرن اخیر ایران و فرزند کربلایی محمد قربان فراهانی در سال ۱۳۲۳ هجری قمری در خانواده‌ای از طبقات پایین جامعه به دنیا آمد. پدرش که اهل روستای هزاوه شهرستان اراک بود در دربار قاجارها آشپز بود و به همین واسطه با مقامات حشر و نشر داشت. میرزا تقی‌خان تحصیلات مقدماتی را زیر نظر پدرش آموخت.

میرزا تقی در اوایل جوانی در سمت منشی قائم مقام اول به خدمت مشغول شد و مورد عنایت این رجل سیاسی دانشمند قرار گرفت و بعدها در دستگاه قائم مقام دوم نیز مورد توجه واقع شد تا جایی که وی را همراه هیاتی سیاسی به روسیه فرستاد و در نامه‌ای در مورد هوش و نبوغ میرزا تقی‌خان چنین نوشت: «خلاصه این پسر خیلی ترقیات دارد و قوانین بزرگ به روزگار می‌گذارد. باش تا صبح دولتش بدمد.»

وی در این ماموریت که برای عذرخواهی از قتل الکساندر گریبایدوف دیپلمات روس در ایران انجام شد، از تزار روسیه پوزش خواست و طوری عمل کرد که مورد تایید و پسند تزار روسیه و دربار ایران قرار گرفت. امیرکبیر در سفر به روسیه شیفته مؤسسات فرهنگی، نظامی و اجتماعی آنجا شد و به این نتیجه رسید که راه ترقی ایران نیز داشتن دانشگاه و تشکیلات نظامی و فرهنگی منظم است.

دومین ماموریت وی ریاست هیات سیاسی ایران در سفر به ارزنة‌الروم برای حل اختلاف مرزی بین ایران و امپراتوری عثمانی بود. در این ماموریت که نزدیک به دو سال طول کشید وی توانست اختلاف مرزی را به نفع ایران پایان دهد و محمره (خرمشهر) و اراضی وسیع طرف چپ شط‌العرب را که مورد ادعای عثمانی‌ها بود به ایران ملحق کند. در همین ماموریت بود که اقدامات و پیشنهادهای مفید امیرکبیر، مورد عناد و حسادت حاج میرزا آقاسی قرار گرفت.

میرزا پس از مراجعت به پیشکاری ولیعهد منصوب شد. در همین زمان بود که محمد شاه قاجار درگذشت. ناصرالدین میرزا که قصد حرکت به تهران و نشستن بر تخت سلطنت را داشت نمی‌توانست حتی هزینه سفر خود و همراهان را به تهران تهیه کند؛ در این هنگام بود که امیرکبیر که آن زمان در تبریز و ملقب به امیرنظام بود با ضمانت شخصی پولی فراهم کرد و ناصرالدین شاه را به تهران آورد. اینگونه بود که وی مورد توجه ناصرالدین میرزا که حالا ناصرالدین شاه شده بود قرار گرفت و با اینکه درباریان حتی مهدعلیا - مادر ناصرالدین شاه که در زد و بندهای سیاسی خارجی دست داشت - مخالف وی بودند، هر روز بر مرتبه و مقامش در دستگاه ناصری افزوده می‌شد. ناصرالدین شاه در هجدهم ذی‌قعدة سال ۱۲۶۴ هجری قمری به تهران رسید و در شب ۲۲ ذی‌قعدة مقام صدارت عظمایی را به میرزا تقی‌خان اعطا کرد. این‌چنین بود که وی در زمانی کوتاه ملقب به امیرکبیر شد و از سوی ناصرالدین شاه به مقام صدراعظمی نایل آمد.

امیرکبیر در دوره کوتاه صدراعظمی با نبوغ خاص و احساسات پر شور میهن‌پرستی خود، توانست برنامه‌هایی را پیش ببرد که اهمیت آن‌ها در راه پیشرفت ایران و ایرانی غیرقابل کتمان است. در این دوران کشور در اوج فلاکت بود و سران مملکتی مشغول حیف و میل اموال بیت‌المال بودند. در اثر بی‌کفایتی حاج میرزا آقاسی خزانه مملکتی با ضعف شدید روبرو شده بود. امیرکبیر در این وهله با پی بردن به وضع ناهمگون کشور، شروع به تصفیه دستگاه دولتی و عزل و نصب ماموران لشگری و کشوری کرده و سعی کرد برای مشاغل مختلف افراد شایسته را بر سر کار آورد. وی با لغو برخی از مالیات‌های اضافی، دریافت مالیات‌ها را دارای نظام منسجم و مشخصی کرد. او همچنین حقوق گزاف درباریان را کاهش داد و از بذل و بخشش‌های بی‌دریغ در حوزه بودجه مملکتی جلوگیری کرد.

اصلاحات امیرکبیر اندکی پس از رسیدن وی به صدارت آغاز شد و تا پایان حکومتش که ۳۹ ماه (۳ سال و ۳ ماه) به طول انجامید، ادامه یافت. وی در این مدت نخست به امنیت داخلی پرداخت و در اولین گام، محمدحسن‌خان سالار را که در

خراسان گردن‌کشی می‌کرد و از جانب روس‌ها و انگلیسی‌ها حمایت می‌شد، سرکوب کرد. او پس از برانداختن سالار، اوضاع خراسان، فارس و بلوچستان را آرام کرد و در همه مناطق عشیره‌نشین و هر جا که ممکن بود آشوبی برخیزد قراول‌خانه ایجاد کرد و در سراسر مملکت امنیت را برقرار کرد. آنچنان که در دوره صدارت امیرکبیر ترکمانان که از مدت‌ها پیش از آن به نقاط دور و نزدیک مناطق اطراف خود حمله می‌کردند، به هیچ اقدام خلافی دست نزدند.

امیرکبیر در دوران صدارت کوتاه خود علاوه بر ایجاد امنیت و استقرار دولت، قشون ایران را به سبک اروپایی سر و سامان داد، برای اولین بار کارخانه‌های اسلحه‌سازی در ایران تاسیس کرد، امور قضایی را اصلاح کرد، به جرح و تعدیل محاضر شرع پرداخت و چاپارخانه‌ها را بنیان گذاشت. معافیت کشاورزان از پرداخت مالیات و تشویق صنایع و تولیدات کشاورزی داخلی به افزایش تولید از جمله دیگر اقدامات امیرکبیر در حوزه سیاست داخلی بود. امیرکبیر همچنین در حوزه سیاست خارجی نیز دست به اصلاحات فراوانی زد که به انتصاب افراد شایسته به عنوان سفیر در کشورهای دیگر انجامید. امیرکبیر همچنین موسس مدرسه دارالفنون بود که برای آموزش علوم و فنون جدید، به فرمان او در تهران تأسیس شد. علاوه بر این‌ها انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه نیز از جمله اقدامات ارزشمند امیرکبیر به حساب می‌آید.

اصلاحات امیرکبیر اما بر درباریان و کشورهای دیگر گران آمده بود. این‌چنین بود که برخی از سفارتخانه‌ها و همچنین درباریان وجود او را تاب نیاوردند و خواستار عزل وی شدند. اصلاحات امیر موقعبیت مالی و نفوذ اجتماعی این دسته از رجال سیاسی و سفارتخانه‌ها را به خطر انداخته بود و حضورش در دربار ناصرالدین شاه همواره مورد مخالفت تعدادی از نزدیکان شاه از جمله مهدعلیا مادر شاه، اعتمادالدوله و میرزا آقاخان نوری قرار داشت. برخی از درباریان که امیرکبیر را مخالف منافع خود می‌دیدند، تهمت زدند که امیرکبیر داعیه سلطنت دارد. این‌چنین بود که آنان ناصرالدین شاه را فریب دادند و با این استدلال که امیر قصد توطئه علیه شاه را دارد وی را به عزل امیرکبیر ترغیب کردند. تحریک‌های مادر شاه و دیگر درباریان باعث ترس شاه شد، از این رو، حکم عزل امیرکبیر در روز ۱۹ محرم سال ۱۲۶۷ هجری قمری به وی ابلاغ شد. چهار روز پس از آن، میرزا آقاخان نوری به سمت صدارت منصوب شد.

امیرکبیر دو روز پس از عزل در بیست و پنج محرم سال ۱۲۶۸ هجری قمری به کاشان تبعید شد. اما با این وجود، مخالفان امیرکبیر در دربار، احتمال می‌دادند که امیرکبیر بار دیگر مورد عنایت شاه قرار گیرد و به قدرت بازگردد. بنابراین با کوشش فراوان توانستند حکم قتل وی را از ناصرالدین شاه بگیرند.

پس از آن بود که با توطئه درباریان از جمله مهدعلیا مادر شاه، امیرکبیر را در هجدهم دی ماه ۱۲۳۰ هجری شمسی در حمام فین کاشان با بریدن رگ دستانش به قتل رساندند. به روایت میرزا محمدجعفرخان، حقایق‌نگار خورموجی در کتاب مشهور «حقایق‌الخبار ناصری» پیکر امیر را روز بعد از قتل ابتدا در گورستان «پشت مشهد» کاشان دفن کردند اما چند ماه بعد، با تلاش همسرش عزت‌الدوله، پیکر امیرکبیر را به کربلا حمل کردند و در اتاقی که در آن به سوی صحن امام حسین (ع) باز می‌شود به خاک سپردند.